

بررسی های کتاب

جیمی دی. آتن و دیوید ام. بوآن. کتاب راهنمای خدمت در بلایا. Downers Grove, IL: IVP Books, ۲۰۱۶، ۲۰۵ صفحه، ۱۹ دلار.

دکتر جیمی آتن بنیانگذار و مدیر مشترک موسسه بشر دوستانه ی بلایا است و دکتر آرتور پی. رچ و خانم جین می رچ دانشیار در رشته روانشناسی در کالج ویتون و مدیر مشترک موسسه بشر دوستانه بلایا در همان کالج است.

کلیساها می توانند نقش مهمی در عکس العمل سریع در بلایا ایفا کنند. این کتاب به این سوال می پردازد که چگونه کلیساهای محلی می توانند به طور جهانی در مخاطرات بلایا و تسریع در امداد رسانی، به خصوص در مناطقی که احتمال وقوع آن بالاست، مؤثر باشند. برخی از کلیساها در مناطقی قرار دارند که در معرض بلایا هستند. کلیساهای دیگر دارای اعضای هستند که اگرچه در مناطق پرخطر زندگی نمی کنند، اما قویاً اشتیاق دارند که به دیگران در بحران بلایا کمک کنند. نویسندگان این کتاب در صددند تا آنانی که در هر دو منظر، قلب خادم دارند را آماده سازند بدین گونه که نیاز به کمک در بلایا را به آنان نشان دهند، دلایلی را که کلیساها باید در این کار وارد شوند، مطرح کنند، و راههایی را پیشنهاد کنند که کلیسای محلی به خاطر اعتبار و ساختار خود در اجتماع محلی به طور منحصر بفردی صلاحیت همکاری را دارد. «مقصود این کتاب به طور خاص، کمک به کلیساهاست که یادگیرند چگونه خدمات مرتبط به بلایا را طرح ریزی، اجرا، و تداوم بخشند» (صفحه ۱۲).

منظور از بلایا، چه پدیده هایی است؟ منظور از بلایا «پیشامدهای طبیعی و یا غیر طبیعی است که منجر به مرگ، جراحت، و خسارت مالی می شود که نمی توان از طرق معمول و روشهای جاری مدیریت کرد» (صفحه ۲۲) که شامل بالایای طبیعی، خطرات تصادفی و تکنولوژیکی، خطرات تروریست، و فوریتهای سلامت عمومی می شود. بلایا از لحاظ پیچیدگی و ضربه ای که وارد می آورند متفاوت هستند و می توانند بر حسب وسعت (محلی، همه جایی، و فاجعه آمیز، یا با قابلیت شناسائی بالا و قابلیت شناسائی پایین)، بر حسب فاز (بالایای اولیه یا ثانویه، که بالایای ثانویه، در نتیجه ی بالایای اولیه است)، و بر حسب منشا (بالایای طبیعی در برابر بالایای غیر طبیعی) دسته بندی شوند (صفحات ۲۴-۲۵).

درک کردن بلایا بسیار مهم است. از آنجاییکه اکثر بلایا در چند مرحله رخ می دهند، این کتاب راهنما حول فازهای مشخصی مرتب شده است که در آن، کلیساها می توانند پیش از وقوع بلایا، در حین بلایا، و پس از آن دست به کار شوند. به طور کلی، این سه فاز متناظر است با آمادگی برای بلایا، عکس العمل به آن، و باز سازی. اکثر آژانسهای دولتی از رویه مشابهی برای راه اندازی طرحهای فوریتی پیروی می کنند. نویسندگان، به کلیساها توصیه می کنند که در ابتدای کار قدم کوچکی بردارند، با آژانسهای دولتی و غیر دولتی همکاری کنند، و جماعت را برای کمک و مداخله در بلایا آماده سازند. هدف، عکس العمل سریعتر در بلایا است.

روش های امروزی به گونه ای هستند که مانع پیشرفت یک فاجعه می شوند. شمار بلایا روی به افزایش است، اما منابع در دسترس برای واکنش به آن رو به کاهش است. «بسیار وحشتناک است که از دهه هشتاد، بالایای طبیعی تقریباً ۴۰٪ افزایش یافته است. پنج تا از خسارت بارترین بلایا در بیست سال گذشته رخ داده است، که سه تا از آنها به تنهایی در هشت سال گذشته به بار آمده است. همچنین در ده سال گذشته، سالانه ۵۰۰۰ حادثه تروریستی رخ داده است» (صفحه ۱۳). با روند رو به افزایش بلایا و روند رو به کاهش منابع دولتی، کلیسا فرصت منحصر بفردی را یافته است که دستش را به سوی اجتماعش در زمان تنگی دراز کند.

کلیساها چه خصوصیات منحصر بفردی برای کمک در بلایا دارند؟ اول اینکه، کلیسای محلی که در مجاورت منطقه پرخطر هست، مستقر شده است که اولین نهادی باشد که عکس العمل نشان می دهد و آخر از همه کنار بکشد. در ضمن، کلیسا بخشی از جامعه ی نزدیک، همراه با تمام روابط مقرر آن است، در حالیکه آژانسهای بیرونی که برای کمک در بلایا می آیند، از جامعه و به هم پیوستگی آن آگاهی ندارند. نکته آخر اینکه، کلیساها احتمالاً لشکری از کارگران را در محل فاجعه مهیا خواهند کرد که با منطقه، مردم، و منابع محلی آشنایی دارند. برای مثال، اغلب سخت است که در زمانهای نابسامانی بلایا، محل افراد آسیب پذیر را مشخص کرد. اما از آنجاییکه کلیسای محلی با اجتماع در رابطه است، این پتانسیل را دارد که در قبال جمعیتهای آسیب پذیر موثرتر عمل کند. متأسفانه، لیستهای آدرس خانه ی افراد آسیب پذیر، معمولاً تاریخ گذشته است (صفحه ۱۵-۱۶). به این دلیل و دلایل دیگر، آژانسهای دولتی با کلیساهای محلی و شبانانسان برای دستیابی به اطلاعات ارتباط برقرار می

کنند. اما چرا روی افراد آسیب پذیر تمرکز شود؟

افراد آسیب پذیر بیشتر از دیگران، از انواع بلایا رنج می برند. نویسندگان حداقل هشت راه را شناسایی کردند که کلیسا به طور منحصر بفردی بنا بر ساختارش مناسب می باشد که کمکهای لازم زیادی را به افراد آسیب پذیر به عمل آورد (صفحه ۱۴). افرادی که ناتوانی جسمی دارند، یک بخش آسیب پذیر از جامعه هستند. در واقع، افرادی که ناتوانی دارند، دو تا چهار برابر کمتر از دیگران، احتمال زنده ماندن در بلایا دارند.^۱

نیازهای افراد آسیب پذیر در بلایا منحصر بفرد است. افراد آسیب پذیر ممکن است به آسانی در تلاشهای هنگام بلایا پنهان بمانند زیرا آنها «از آنجا که آسیب پذیر هستند، ناشناخته می مانند، یا برای دلایل متعددی در بسیاری از برنامه های عمومی به آنها کمک نمی شود. شاید شنیده باشید که «بلایا تبعیض قائل نمی شود.» فقیران، ضعیفان، خردسالان و پیران، و افرادی که با کمترین منابع و روابط هستند، واقعاً در خطر بیشتری هستند و نسبت به دیگران از دوره بهبود سختتری برخوردار هستند. از این بابت، فرصتی برای کلیسا است» (صفحه ۱۳). اما اگر افراد یا کلیسا درک نکنند که چقدر آسیب پذیری بر مردم اثر می گذارد، آن مردم ممکن است در میان شکافها فرو بیافتند.

در خصوص افراد آسیب پذیر، نیاز برای نگاه داشتن خانواده ها در کنار هم، از هر چیز دیگری مهمتر است. این بدان معناست که در بسیاری از موارد، بسته به شدت ناتوانی و وابستگی، افراد ناتوانی که تماس خود را با کسانی که از آنان مراقبت می کنند، از دست داده اند، در بحران شدید هستند. اگرچه این موضوع برای هر خانواده ای صدق می کند و لزوماً فقط برای افراد ناتوان نیست، اما به طور خاص برای شخص ناتوان صدق می کند، به خاطر اینکه به شخص آگاهی نیاز دارند که مسائل سلامتی و اجتماعی فرد را درک کند. افراد ناتوان، اغلب به خوبی از وضعیت سلامتی خود آگاه نیستند، و برخی از آنان کاملاً بی اطلاع هستند. آنها شاید ندانند که چطور از بیماری پیشگیری کنند. برای مثال، بروز ناگهانی آنفولانزا که می تواند برای بعضی از افراد ناتوان کشنده باشد، افزایش یافته است (صفحه ۲۳). نویسندگان، دلسوزانه به خوانندگان التماس کرده و می گویند، «ما برای کسانی که دارند خدمت در بلایا را آغاز می کنند، این چالش را قرار می دهیم که افراد آسیب پذیر را در ذهن داشته باشند» (صفحه ۱۸).

به خاطر داشتن چند چیز، بسیار مهم است. از آنجایی که عکس العمل به بلایا تلاشی جمعی است، نویسندگان، گروههای امداد بلایا را توصیه می کنند که در تماس با سازمانهای تخصصی بلایا نظیر سازمان مدیریت بحران فدرال (FEMA) و صلیب سرخ، باشند و همچنین با کلیساهای دیگر در منطقه که متعهد به امداد در بلایا هستند در ارتباط بمانند. بسیار مهم است که کلیساهای نباید افراد را تشویق کنند که به صورت مستقل و بدون پیوستن به یک سازمان به مناطق فاجعه بروند. چرا که در آنصورت ممکن است بیشتر از آنکه کار خیر کنند، آسیب برسانند. در حقیقت، بهترین کار این است که با سازمانهای مجرب مشارکت کنند و در حوزه تخصص خود همکاری کنند. به طور کلی، «هر زمان که ممکن بود، بهترین کار این است که خدمت بلایا را در کارهایی بگنجانید که بلد هستید» (صفحه ۵۹). استدلال آن منطقی است: «این کار باعث می شود که از تجربه تان به طور سودمند استفاده شود، تنوع خلاقی را وارد می آورد که می تواند باعث افزایش رغبت در میان افراد در خدمات موجود شود، همچنین باعث می شود که از کپی برداری از خدمت و رهبری اجتناب شود، و به طور کل، به برنامه ریزی بهتری منجر شود.»

کتاب به زبان سلیس نوشته شده است و کاربردی است. به علاوه، ابزارهای موثری را برای برنامه ریزی و اجرا عرضه می دارد که از سوی تعدادی از سازمانها و آژانسهای باتجربه ی بلایا گرفته شده است (۱۳۵-۱۷۵). به عنوان ضمیمه، موسسه ی بشردوستانه ی بلایا (سازمانی که هر دوی نویسندگان به آن تعلق دارند) وب سائیتی را ارائه می کند که متمرکز بر خدمت در بلایا است و منبعی عالی در پشتیبانی از این کتاب راهنما است. نمودارها، نظیر انواع آسیب پذیری (صفحه ۳۱)، در کنار سوالات مباحثه ای در آخر هر فصل، محتوای کتاب را سازمان دهی و ساده سازی می کنند و به خواننده کمک می کند تا رشته مطالب را از دست ندهد.

نویسندگان با نوشتن این کتاب، خدمتی را به کلیساهای محلی انجام داده اند. آنها نه تنها برای جماعتهای محلی فرصتی را فراهم می آورند تا در جوامع خود دست به کار شوند، بلکه همچنین راهی را پیش روی کلیساهای می گذارند که از اعضای خودشان به طریقی هوشمندتر و ماندگارتر مراقب کنند. هر کلیسا باید یک جلد از این کتاب را در کتابخانه ی خود داشته باشند که افراد بتوانند آن را از کتابخانه عاریه بگیرند. شبانان نیاز دارند که یک جلد از این کتاب را برای خود داشته باشند تا یادداشتهای مختص به جماعت و جامعه ی خود را در آن بنویسند، از قبیل

¹ The Sendai Statement to Promote Disability-Inclusive Disaster Risk Reduction for Resilient, Inclusive and Equitable Societies in Asia and the Pacific,” (April 24, 2014), 2.

شماره تلفنهای ضروری و آدرسهای ایمیل.

دکتر آتن و دکتر یوان در این کتاب راهنمای سلیس و کاربردی، چارچوبی را برای مطالعات آتی، به خصوص درباره موضوعات مربوط به برآوردن نیازهای افراد آسیب پذیر توسط کلیساهای محلی قرار داده است. افرادی که ناتوانیهای شناختی، و بیماریهای روانی دارند، نیاز به توجه ویژه ای در هنگام بلایا و دوره بهبود از آن دارند. نویسندگان کتاب در عکس العمل، معیار انتظارات را بر خدمت رحمت بالا برده اند. من این کتاب را به تمام کلیساهای محلی و رهبران سازمانی مسیحی بسیار پیشنهاد می کنم که اعضای تصمیم گیرنده آن راغب هستند به مردم در زمان نیازشان در بلایا، به خصوص به افراد آسیب پذیر که در مناطق پرخطر بلایا قرار دارند کمک کنند.

دیوید دوئل

آکادمی بین المللی Master، سانتا کلاریتا، کالیفرنیا

موسسه مسیحی در خدمت به افراد ناتوان، آگورا هیلز، کالیفرنیا

ویلیام ای. دیرنز و اسکار گارسیا جانسون، الهیات بدون مرز: مقدمه ای بر گفتگوهای جهانی.

Grand Rapids: Baker Academic، ۲۰۱۵، ۱۹۲ صفحه، ۲۱.۹۹ دلار

آیا با رشد مسیحیت در خارج از آمریکای شمالی و اروپا، الهیات مسیحی نیز باید تغییر کند؟ اگر چنین است، چگونه باید الهیات تغییر کند؟ این دو سوال چیزی را تشکیل می دهند که ویلیام ای. دیرنز و اسکار گارسیا جانسون آن را «مشکل الهیات جهانی» می نامند (صفحه IX). هم دیرنز و هم گارسیا جانسون در آموزشگاه الهیاتی فولر تدریس می کنند و کتاب *الهیات بدون مرز* از دل کلاسی بیرون آمد که نویسندگان، در کنار هم در این موضوع تعلیم می دادند. گارسیا جانسون به عنوان معاون دانشکده در مرکز مطالعه جامعه و کلیسای اسپانیولی در فولر، و همچنین به عنوان دانشیار الهیات و مطالعات آمریکای لاتین خدمت می کند. دیرنز، رئیس بازنشسته مدرسه الهیات در فولر است و کماکان به عنوان استاد الهیات و فرهنگ خدمت می کند. دیرنز، صدایی ماندگار در موضوع الهیات جهانی بوده است و سه کتاب را در اوایل دهه ۹۰ نوشته است و همچنین به عنوان ویراستار برای *لغتنامه جهانی الهیات* خدمت کرده است.^۱

نویسندگان، کتاب خود را با تصدیق این موضوع آغاز می کنند که الهیات کلاسیک یا سنتی مشروط بر جایگاهی است که کلیسا از لحاظ تاریخی و جغرافیایی در آن قرار گرفته است. تمرکز مسیحیت که قرنها در اروپا و سپس آمریکای شمالی بوده، منجر به فرمول بندی الهیاتی ای شده است که محدود به فرهنگ غربی است. کتاب آنها در صدد گشودن گفتگو است و به خوانندگان غربی نشان می دهد که چطور الهیدانان غیر غربی دارند به الهیات می پردازند. فصلهای ۴ تا ۷ با بررسی الهیدانان جهانی در چهار موضوع، مستقیماً این کار را انجام می دهد. این چهار موضوع عبارتند از: خدا و خلقت، مسیح و انجیل، کلیسا، و آخرت شناسی. فصلهای ۱ تا ۳ با بحث کردن شیوه الهیاتی در زمینه جهانی، بنیان این بررسی را قرار می دهد، و این فصلها را مهمترین فصلهای کتاب می کند چرا که شالوده بررسی هایی که در فصول بعدی صورت می گیرد، بر روی این سه فصل قرار می گیرد.

درحالیکه بیشتر قسمتهای کتاب با همکاری دو نویسنده نوشته شده است، اما دو فصل اول، نشان از عدم توافق بین نویسندگان در خصوص رابطه الهیات غربی با الهیات غیر غربی است. گارسیا جانسون در فصل اول از رویکرد «فراغربی» به الهیات جهانی حمایت می کند. هدف الهیات جهانی باید این باشد که «مباحثات الهیاتی در حالیکه در بافت جهانی شده ی غیر غربی یا پساغربی فرو رفته است، انجام شود» (صفحه ۵). ارائه ی «الهیات غربی» به عنوان الهیاتی که به طور جهانی درست و کاربردپذیر است، به معنای مرتکب شدن به «غرب گرایی» (تعصب به غرب) و «استعمارگرایی الهیاتی» است (صفحه ۶). در عوض، الهیدانان باید روند «استعمارزدایی الهیاتی» را دنبال کنند (صفحه ۹). چنین فرایندی از طریق «گفتگوی جهانی و محلی» صورت می گیرد (صفحه ۹). الهیدانان باید احساس راحتی داشته باشند که الهیات را در بافت محلی خودشان فرموله کنند (مثلاً الهیات آفریقایی، الهیات آسیایی، الهیات لاتین، و ...)، و سپس الهیات محلی شان را به گفتگوی جهانی

¹ William A. Dyrness, Veli-Matti Kärkäinen, Juan F. Martinez, and Simon Chan, eds., *Global Dictionary of Theology: A Resource for the Worldwide Church* (Downers Grove, IL: IVP Academic, 2008).

بیاورند. الهیات جهانی در نتیجه ی آن، «عمومیت گرای جمعی» و «چند مرکزی» را دارا خواهد بود، بدین معنا که هیچ الهیدانی به صورت جهانی به کار نخواهد رفت (عمومیت گرای جمعی) و الهیات گوناگون محلی دارای مرکز متحدی نخواهند بود (چند مرکزی) (صفحه ۹). با این وجود، فراغری بودن «به معنای نسبی گرای» نیست (صفحه ۶۶)، بلکه تصدیق این موضوع است که «معنای کامل کتاب مقدس تنها زمانی میسر خواهد شد که مسیحیان سراسر تاریخ و سرتاسر جهان با هم آن را بخوانند و بدان پاسخ دهند» (صفحه ۶۶).

در نقطه مقابل، دیرنز در فصل دوم بر این موضع پافشاری می کند که الهیات جهانی نمی تواند از میراث غربی آن فرار کند. الهیدانان غیر غربی باید در عین حال که «ضعفهای الهیات غربی را تشخیص دهند و در صورت لزوم نسبت به ضعفهای آن متقابلاً عمل کنند»، باید الهیات غربی را مبنای توسعه الهیات خود قرار دهند (صفحه ۴۰). او شرح می دهد که حتی با وجود اینکه مسیحیت در حال تغییر است، اما «با تاریخچه ای بخصوص، گرانبار و مبارک» باقی می ماند (صفحه ۴۰). بنابراین، دیرنز همانند همکار خود از گفتگوی الهیاتی محلی-جهانی حمایت می کند، اما به گونه ای که کماکان نفوذ چشمگیر الهیات غرب را وارد آورد. نتیجه کار، گفتگوی «متقابلاً اصلاحی» خواهد بود (صفحه ۲۲).

نویسندگان در فصل ۳ به هم ملحق می شوند تا درک مشترکشان را از الهیات جهانی ارائه دهند. الهیات «در مکانی خاص، نه صرفاً از طریق مداخله بین کتاب مقدس و فرهنگ، بلکه مداخله بین نوعی سنت مسیحی و سنتهای بومی آن مکان - چه فرهنگی و چه مذهبی» شکل می گیرد» (صفحه ۴۳). از این رو، بی تجربگی است پنداریم که یک شکل جهانی از انجیل وجود دارد که می تواند به زبانها و فرهنگهای گوناگون ترجمه شود. هر میسیونر میان فرهنگی، الهیات مسیحی فرهنگ خودش را می آورد. از این گذشته، ترجمه (یا هم یافت سازی) از یک زبان و فرهنگ به زبان و فرهنگ دیگر، همیشه منجر به دگرگونی پیغام می شود. فرهنگ گیرنده بر «درک مردم از اینکه خدا کیست و چگونه باید به او پاسخ داد» تاثیر خواهد گذاشت (صفحه ۴۴). اما مهمترین واکنش به کلام خدا، درک کردن یک تفسیر جهانی نیست، بلکه این است که هر شخص در محیط فرهنگی خاص خود از کلام خدا اطاعت کند.

نویسندگان با قرار دادن این مبناها، در فصلهای ۴ تا ۷ اقدام به بررسی این موضوع می کنند که چطور الهیدانان جهانی به موضوعات مختلف می پردازند. از آنجاییکه الهیات جهانی باید گفتگوی جهانی-محلی باشد، چنین بررسی ای، شیوه ای ایده آل از پرداختن به الهیات به صورت جهانی است.

دیرنز و گارسیا جانسون ارائه ای شفاف از رویکردشان به الهیات جهانی-محلی داده اند. با این وجود، رویکردشان شدیداً دارای عیب است. از نظر نویسندگان کتاب، یگانگی حقیقت مسیحی را نه در قلب یگانگی حقیقت، بلکه در کل خود گفتگوی چندفرهنگی می توان یافت. در رویکرد آنان، دلواپسی برای وجود چند صدایی در گفتگوی الهیاتی، خود حقیقت الهیاتی را تکه پاره می کند. نویسندگان، نسبی گرای را رد می کنند، اما نمی توانند هیچ راه روشنی را ارائه دهند که چگونه حقانیت الهیاتی محلی که با هم تناقض دارند را ارزیابی کند. رویکردشان به الهیات جهانی با بررسی الهیدانان جهانی خاتمه می یابد و هرگز پا را از بررسی فراتر نمی گذارد که حقانیتشان را ارزیابی کند. نویسندگان به طور قابل قبولی مشکل الهیات جهانی را نشان می دهند. انجیلی های غربی نیاز مبرم دارند به اینکه صدای الهیدانان غیر غربی را بشنوند. آنهایی که از مزیت تاریخی، سیاسی، اقتصادی، و قومی بهره می گیرند لازم است که به آنانی که این مزیت را ندارند گوش سپارند تا سوء برداشتها و نقاط کور افشا شود. با این وجود، راه حلی که در کتاب *الهیات بدون مرز* ارائه شده نابسنده است. در حالیکه فرهنگ شخص بر چشم انداز هر الهیدان و مفسر کتاب مقدسی تاثیر می گذارد، اما مسیحیان تنها یک منبع و استاندارد را برای تنظیم الهیاتشان دارا هستند: کتاب مقدس. مسیحیان، چه در غرب و چه در خارج از غرب، لازم است قادر باشند که الهیاتشان را در برابر کلام مقتدر خدا ارزیابی کنند، اما دیرنز و گارسیا جانسون ابزاری را برای این کار در اختیار خوانندگان قرار نمی دهند.

جاشوعا کالب هوچنز

آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی، لوئیس ویل، کنتاکی

تیبور لافلین، بومی شدن برای صید بومی ها: همه کس را همه چیز شدن به طور میان فرهنگی Wipf & Stock، ۲۰۱۶، ۸۲ صفحه، ۱۳ دلار.

کتاب تیبور لافلین به نام بومی شدن برای صید بومی ها کتابی است که میسیونرهای جدید حتماً باید آن را بخوانند. کتاب او هر سه مولفه ی عملی بودن، مربوط بودن، و خوانا بودن را با هم دارد که چنین چیزی به ندرت یافت می شود. اگرچه این کتاب، کوچک است (کمتر از ۷۰ صفحه)، اما تدابیری در آن گنجانده شده است که فقط از طریق سالها تجربه میسر است.

فصل اول به مسائل مربوط به چشم انداز و قلب شخص می پردازد. لافلین در فصل دوم درباره موضوعاتی صحبت می کند که هر میسیونر با آن روبرو است که شامل یادگیری زبان، وفق دادن خود به فرهنگ محلی، ظاهر شدن در جامعه محلی، و مدیریت زندگی خانوادگی است. سرانجام، او تمام اینها را در یک نتیجه گیری کوتاه و چکیده به هم وصل می کند.

کتاب لافلین، کتابی است عملی، بدون اینکه بیش از حد عملگرا باشد. او به طور خاص به کارهای روزانه اشاره می کند که زندگی میسیونر را تشکیل می دهد. او خوانندگان را با انتظارات واقع گرایانه، آماده و تشویق می کند. لافلین هیچ فضایی به آرمانگرایی یا انتزاع نمی دهد. در عوض، توصیه هایی در آن یافت می شود که فوراً می توان اجرا کرد. داستانهای او از تجربه ی شخصی است و بنابراین نشان می دهد که «بومی شدن» چه شکلی است.

لافلین که سالهای زیادی را در چین خدمت کرده است، قادر است مشورتی را ارائه دهد که برای میسیونرها در هر بافت و زمینه ای کاربرپذیر است. در نقطه مقابل، نویسندگان دیگر صرفاً اصول را مطرح می کنند تا به حداکثر مخاطبین دست یابند. لافلین فصلهایش را با چند سوال جمع بندی می کند که خوانندگان را در اجرا هدایت می کند. این سوالات افراد را به فکر فرو می برد و میسیونرها را که می خواهند گامهای عملی مورد نیاز بردارند تا در خدمتشان شکوفا شوند، هدایت می کند. تصور می کنم که بسیاری از میسیونرهای کهنه کار نیز از کتاب لافلین استفاده کنند تا کارگران جدیدتر را تربیت، تشویق و بسیج کنند.

یکی از لذت بخش ترین جنبه های این کتاب، خوانا بودن آن است. این کتاب را با حجم کمی که دارد، خیلی سریع می توان خواند. لافلین به نثر ساده می نویسد. او از مفاهیم و اصطلاحات فنی زیادی استفاده نمی کند تا خوانندگان ناآشنا به اصطلاحات تخصصی و نامفهوم ماموریت شناسی را گیج نکنند. لحن او محاوره ای و پیام او واضح است.

برخی افراد شاید از کوتاه بودن این کتاب ناراضی باشند. خودم یکی از این افراد هستم که تمایل دارم از چنین کتابهای کوتاهی دوری کنم. لافلین قطعاً می توانست بیشتر از این بگوید. به هر حال، او یک دهه را صرف تربیت تازه واردان به میدان ماموریت کرد. در نتیجه، هدف او ساده است: کتاب مختصری بنویسد که مردم، در میان استرس جابجایی، یادگیری زبان، و شوک فرهنگی، واقعاً آن را بخوانند. در واقع، خوانندگان، مفاد بیشتری را در این منبع نسبت به کتابهای بسیار حجیمتر می یابند.

من قلباً کتاب لافلین را به هر کسی که می خواهد بومی شود تا بومی ها را صید کند پیشنهاد می کنم.

جکسون وو
دانشیار، ICTS

فضلولو رحمان. موضوعات اصلی قرآن. شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۲۰۰۹، ۱۸۰ صفحه، ۲۴ دلار

بیشتر پژوهشات اسلامی بر تفسیر آیه به آیه متون قرآن تمرکز می کنند. برخی از آثار اخیر، متون قرآنی را از لحاظ موضوعی به شاخصهای سودمندی مرتب می کنند، اما کمتر پژوهشگری سعی می کند که موضوعات اصلی قرآن را با هم ترکیب کند. سه حوزه اصلی در مطالعه قرآنی وجود دارد: (۱) بازسازی قرآن در ترتیب تاریخی، (۲) شرح ایده ها و ارجاعات یهودی و مسیحی در قرآن، و (۳) توضیح محتوای قرآن، چه به صورت جزئی یا چه به صورت کلی. این حوزه ی مطالعه ی سومی کمتر از بقیه رایج است، و رویکردی است که فضلولو رحمان در کتابش به نام موضوعات اصلی قرآن می خواهد اتخاذ کند.

رحمان با رجوع به متن، حوزه های برجسته ای را که مرکز توجه قرآن است، به جای ترتیب تاریخی، بر حسب ترتیب منطقی دسته بندی

می‌کند. موضوعات زیر در فصلهای جداگانه قرار داده شدند» خدا، انسان به عنوان فرد، انسان در جامعه، طبیعت، نبوت و مکاشفه، آخرت‌شناسی، شیطان و شر، و ظهور امت اسلامی. او این موضوعات را بر مبنای روش تفسیر خودش که تا حد زیادی مدرن است، مرتب می‌کند. بنابر پیش‌گفتار، نویسنده «آزادی از سلسله مراتب را ارزش می‌نهد و پیوندها را در یک نقطه جمع می‌کند، خود را با پیشرفت علمی و رفاه اقتصادی تطبیق می‌دهد، و مهمتر از همه، او اندیشه‌های گذشته‌ای را که با داستان پیشرفت جور در نمی‌آید، رد می‌کند» (Xiii). علاوه بر اینها، رحمان در صدد است که تاریخ و عرف اسلام را با معیار دین حقیقی محمد، یعنی اسلام قرآنی، محک بزند.

کار رحمان با ارزش است، نه ضرورتاً به خاطر استدلالهای تفسیری و نتیجه‌گیری‌های الهیاتی‌ای که ارائه می‌دهد، بلکه بیشتر به خاطر فرایند ترکیبی‌ای که بوسیله آن، موضوعات قرآنی را آشکار می‌سازد و آنان را در زمینه‌های تاریخی و معاصر اسلام بکار می‌برد. از نظر تاریخ تفسیر قرآنی، این ترکیبی تازه و نامعمول از اندیشه مدرن و محوریت قرآن است.

خلاصه

خدا. رحمان کتابش را با ملاحظه ضرورت خدا و وحدانیت او آغاز می‌کند. او به مفهوم قرآنی توحید، و معقول بودن و منطقی بودن آن می‌پردازد. قرآن قصد دارد که درباره خدا با قلب انسان صحبت کند و به ایمان به خدا از طریق «اعتقاد و آگاهی از غیب» (۳:۲) تأکید می‌کند (صفحه ۲). وجود خدا نیاز به برهانهای الهیاتی ندارد؛ بشریت صرفاً به یک یادآوری از وجود او نیاز دارد. قرآن از قلب و فکر آدمی می‌خواهد که تسلیم این خدای قائم به ذات شود. خدا خدمت می‌شود و انسان خدمتگزار اوست. خدا مجبور نیست که خودش را تشریح، اثبات یا مکشوف کند.

انسان به عنوان فرد. قرآن، دوگانه نگری جسم-ذهن تفکر یونانی را رد می‌کند. قرآن، جسم-ذهن را در هم آمیخته می‌بیند. جان، حالتی است ذهنی که نمی‌توان از ذهن جدا کرد. شیطان در ضدیت با انسان است، نه با خدا. انسان که نایب السلطنه خداست، انتخاب آزاد به او عطا شده است و از اینرو انسان، نظم اخلاقی اجتماعی را حکمفرمایی می‌کند. این نیابت سلطنت، ماموریت انسان بر روی زمین را تشکیل می‌دهد. بر خلاف کیهان که از قوانین ثابت خدا پیروی می‌کند، انسان با داشتن انتخاب آزاد، مجموعه‌ای از توانایی‌ها را دارد که او را قادر می‌سازد تسلیم اراده خدا شود. در انسان یک تنش اخلاقی وجود دارد زیرا او کوتاه فکر، بی‌تدبیر است و مستعد است که خدا را فراموش کند. رنج کشیدن به انسان کمک می‌کند که خدا را به یاد آورد. هنگامی که انسان خدا را به یاد می‌آورد و دست به انتخابهای اخلاقی در برابر انتخابهای کم‌اهمیتتر می‌زند، به تعادل والایی دست می‌یابد که قرآن آن را *تقوا* می‌نامد.

انسان در جامعه. قرآن به طور منحصر بفردی شکوفایی بشری را ترویج می‌دهد و «حتی ایده‌ی «ظلم به خود (ظلم النفس)» را محکوم می‌کند که منجر به نابودی افراد و به طور خاص، جوامع می‌شود... این اساساً صحبت از خود تخریبی روش زندگی، خود تخریبی جامعه، و تمدن می‌کند» (صفحه ۳۷). انسان منظور داشته شده است که بخشی از اجتماع باشد. قرآن، چندخدایی و بی‌عدالتی اجتماعی عربستان ماقبل اسلام (جامعه مکی) را مورد انتقاد قرار می‌دهد. قرآن برای مقابله با شرایط اجتماعی-اقتصادی ناامیدکننده‌ی جامعه‌ی مکی، رباخواری را تحریم می‌کند و مالیات زکات را وضع می‌کند که به منظور تقسیم ثروت و کم کردن بی‌عدالتی اجتماعی بود.

قرآن همچنین یک واحد قوی خانواده را ترویج می‌دهد که در آن، به والدین حرمت گذاشته می‌شود و از آنان اطاعت می‌شود، و ترتیب فرزندان توسط قرآن، هدایت و مقید می‌شود. زمانی که مرد، به درستی با تمام اعضای جامعه از قبیل دشمنانش رفتار می‌کند، به ایده آل *تقوا* نزدیکتر می‌شود. قرآن برای یک نظام حکومتی الگو که *تقوا* را برای تمام اعضای جامعه ترویج دهد، شورایی از مردان آموزش دیده را تجویز می‌کند تا با انصاف بر جامعه حکمرانی کنند، چرا که عدالت، شرط لازم برای هر کار انسان و جامعه است. قرآن ارزش دارایی، درآمد، دین، شان، و آزادی زندگی شخصی را تعلیم می‌دهد. در ازدواجهای چندهمسری، مردان باید به زنان خود احترام بگذارند و اگر نگذارند، زنان حق طلاق دارند. در قرآن، انسان و جامعه یک هستند و به سوی هدف والاتر *تقوا* کار می‌کنند.

طبیعت. داستان آفرینش طبیعت به کمترین حد در قرآن صحبت شده است. طبیعت کاملاً تسلیم فرامین خداست، و از اینرو «مُسلم» است. مقصود طبیعت این است که قدرت غایی خدا و رحمت بی‌حد او را نشان دهد. تمام کیهان، نشانه‌ای از خداست، که انسان در ترمذ خود، آن را سرکوب می‌کند. علاوه بر این، نشانه‌های مافوق طبیعه دیگری وجود دارد که بر خلاف قوانین طبیعت عمل می‌کنند، اما به منظور درک اهمیت این نشانه‌ها، انسان باید ظرفیت ایمان داشته باشد. آیه‌های قرآن همچون نشانه‌های طبیعت به عنوان آیاتی در خدمت انسان هستند زیرا که از سوی همان آفریدگار می‌آیند. «آیت بزرگ خدا، طبیعت و جهان هستی است. انسان باید خودش این را کشف کند. طبیعت برای انسان وجود دارد تا برای اهداف خود از آن بهره‌مند شود. مقصود طبیعت این است. مقصود انسان این است که آفریدگار را خدمت کند؛ از این

بابت، تفاوتی بین قانون فیزیکی و اخلاقی وجود دارد.»¹

نبوت و مکاشفه. اسلام به عنوان شکل کامل و تمام شده ی دین تلقی می شود؛ پیام محمد خاتمه ی فرآیند تکاملی دین است. تمام انبیا پیام اساسی یکسانی دارند، یعنی توحید، که محمد با بیشترین اقتدار آن را تعلیم داد. این فصل، روح مکاشفه (یا یک فرشته) را توصیف می کند که در شب قدر بوسیله روح، بر قلب پیامبر نازل شد. خدا تنها از طریق روحی که به ذهن پیامبر وحی شده است با انسانها سخن می گوید. سبک زیبا، فصیح و بلیغ قرآن نشان از معجزه بودن آن است.

آخرت شناسی. قرآن صحبت از روز داوری می کند، روزی که انسان تماماً از حقیقت درباره خودش آگاه می شود. او در هنگام ایستادن در پیشگاه خدا دفتر اعمال خود را که تمام کارهای او در آن ثبت شده است در دست خود خواهد داشت. در آن روز هیچ شفیع نخواهد بود مگر آنکه خدا اجازه دهد. هر عملی که انسان انجام داده بر او یا بر ضد او شهادت خواهد داد، و آخرت انسان، بستگی به زندگی او در زمین خواهد داشت. قرآن بنای دستورات لازم الاجرای اخلاقی اش را در ترس از روز داوری می گذارد.

شیطان و شر. شیطان از دسته ی جن ها است. جنها مخلوقاتی موازی انسانها هستند اما شرور تر هستند. شیطان در عوض اینکه ضد خدا باشد، ضد انسان است؛ مطابق با قرآن، تقوا سد قوی ای بر ضد حملات شیطان است. شیطان نماد یاس و نومیدی است، و به این خاطر است که قرآن، یاس و نومیدی را محکوم می کند. علاوه بر این، مردان شرور توسط شیطان تقویت می شوند، و ضعف انسان و فقدان اخلاقیات باعث می شود که به آسانی در تیررس شیطان قرار گیرد.

ظهور امت اسلامی. این فصل نشان می کند که اعراب به دنبال دینی شبیه یهودیت و مسیحیت بودند. روایات عیسی و موسی در سراسر جامعه عرب رواج داشت، پس وقتی این داستانها به محمد رسید، به شکل مکاشفه رسید. و مکاشفه محمد تمام پیامبران را فرا می گیرد. خدا یکی است، انبیای خدا به این پیغام واحد شهادت می دهند، و قوم خدا همگی یک هستند. از این اجتماع یگانگی حول مکاشفه نهایی (یکتاپرستی) که به محمد داده شد، مفهوم امت اسلامی یا خانه اسلام ظهور کرد. مسیحیان و یهودیان اهل کتاب خوانده شدند، اما در یکتاپرستی شان ایراد داشتند. اما امت اسلامی، شکل ایده آل را نشان داد، زیرا که در وقف مصرانه ی خود به یکتاپرستی انحراف نورزید.

ارزیابی

از چشم انداز یک غربی که در تعالیم قرآنی یا فرهنگ اسلامی آموزش ندیده است، کتاب رحمان بسیار مفید است. برای کسانی که پژوهشگر قرآن هستند، شاید نظراتشان نسبت به قرآن نکته سنجتر و نقادانه تر شود. به هر حال، برای دست یابی به موضوعات برجسته و وسیع قرآن، این کتاب کاملاً مفید است.

به نظر نمی رسد که نویسنده با جزئیات ریز الهیاتی یا مسائل حاشیه ای، منحرف شود و تمرکزش را از دست دهد. او صرفاً موضوعات اصلی را که از زمینه غالب قرآن پشتیبانی می کند، دسته بندی می کند. هدف قرآن این است که به انسان یادآوری کند که او چه کسی بود و از کجا افتاده است، و او را به سوی وحدت با خدا و با هم نوع خود هدایت کند. انسان که نایب السلطنه خداست، نظام اجتماعی و اخلاقی این جهان به او به امانت سپرده شده است. او باید تحت فرمان خدا زندگی کند تا مسئولیت خود را در حال و ابدیت به انجام رساند. او آنچه را که با وفاداری یا بی وفایی در زمین کاشته است، در ابدیت درو خواهد کرد.

رحمان در هر فصل، پیام قرآن را نشان می دهد که خدا واحد است، پیام خدا واحد است، کتاب خدا واحد است، و امت نیز باید واحد باشد. از آنجاییکه قرآن بر یگانگی خودش تحت وحدانیت خدا شهادت می دهد، به نظر می رسد که رحمان صراحتاً وحدت زندگی تحت فرمان خدا و وحدت جامعه ای را که در نظام اجتماعی هماهنگ زندگی می کنند، به هم متصل می کند. البته، از چشم انداز یک مسیحی انجیلی، قرآن نه الهام شده است و نه مقتدر. با این حال، استفاده ی رحمان از شیوه های تفسیری شبیه به الهیات کتاب مقدسی، به طور مفیدی موضوعات اصلی قرآن را روشن می سازد.

نتیجه گیری

¹ Mohammad Mosa Barlass, Review of *Major Themes of the Qur'an*, by Fazlur Rahman, *Renaissance: A Monthly Islamic Journal*, <http://www.monthly-renaissance.com/issue/content.aspx?id=188#1> (accessed April 1, 2014).

رحمان پیشنهاد می‌کند که قرآن نه جز به جز بلکه به صورت یک کل تفسیر شود. برای کسانی که با قرآن ناآشنا هستند یا برای کسانی که موضوعات اصلی قرآن را به دیگران می‌آموزند، رویکرد رحمان کاملاً مفید است. او بی‌طرفانه به متن قرآنی می‌پردازد و بینش‌های خود را از متن به نمایش می‌گذارد. همچنین رویکرد موضوعی او، چارچوب تفسیری ای را به خواننده می‌دهد که از طریق آن به قرآن نگاه کند. دانستن موضوعات اصلی قرآن، خواننده را توانمند می‌سازد که مفاهیم کلی را مرتب کند و موضوعات فرعی را که به خاطر پیچیدگی ادبی قرآن پوشیده مانده، کشف کند. در کل، این کتاب، دسترسی به قرآن را به شیوه‌ای ممکن می‌سازد که کمتر پژوهشگری تلاش کرده است. رحمان موضوعاتی را تشریح می‌کند که گاهی اوقات پوشیده مانده است. کتاب رحمان هم برای پژوهشگران قرآنی و هم برای تازه کارها مناسب است. کتاب *موضوعات اصلی قرآن* را به هر کسی که علاقه مند به درک قرآن یا علاقه مند به بررسی اسلام قرآنی است پیشنهاد می‌کنم.

اوان برنز

آموزشگاه الهیاتی کتاب مقدسی آسیا، چیانگ‌رای، تایلند

استیفان جی. ولوم و برنت ای. پارکر، (ویراستاران)، *الهیات عهد پیشرونده: دنبال کردن خط سیری بین الهیات تدبیری^۱ و الهیات عهد^۲*. Nashville: Broadman & Holman، ۲۰۱۶. ۳۰۰ صفحه. ۳۲.۹۹ دلار

در دهه های اخیر، انجیلی ها توجه دوباره ای به کار الهیات کتاب مقدسی نشان داده اند. کتابها و مقالات متعددی در همین چند سال گذشته منتشر شده اند که الهیات کتاب مقدسی را به عنوان یک رشته علمی یا بخشی از خصوصیات آن را (نظیر استفاده ی عهد جدید از عهد عتیق) بررسی کرده اند. این اشتیاق دوباره به الهیات کتاب مقدسی حداقل تا حدی بواسطه مرکزیت و ضرورت الهیات کتاب مقدسی در دیگر کارکردهای الهیاتی کلیسا تجدید شده است. تفسیر، الهیات نظام مند، و حتی موعظه را نمی توان از الهیات کتاب مقدسی جدا کرد و به طور اجتناب ناپذیری تحت تاثیر آن هستند.

علی رغم تصورات غلط رایج، الهیات کتاب مقدسی صرفاً موضوعات در حال توسعه در طول تاریخ نجات نیست. در عوض، الهیات کتاب مقدسی تلاشی است برای درک منطق نمایشنامه ی مکشوف شده ی کتاب مقدس، و فهمیدن اینکه چطور هر بخش از کتاب مقدس با کل آن سازگاری دارد. به عبارت دیگر، الهیات کتاب مقدسی سعی می کند بفهمد که چگونه کل کتاب مقدس با هم سازگار است.

الهیات عهد در میان پروتستانها، به اشکال گوناگون، از زمان اصلاحات، الگوی غالب الهیات کتاب مقدسی بوده است. اما در دو قرن اخیر، الهیات تدبیری پرطرفدارترین نظام الهیات کتاب مقدسی، بخصوص در میان باپتیستها شده است. استیفان ولوم و برنت پارکر با ناراضی بودن از هر دو الگوی الهیاتی، از یک موضع میانی به نام الهیات عهد پیش رونده دفاع می کنند که «زیرمجموعه» ای است از آنچه اغلب، پژوهشگران، الهیات عهد جدید^۳ می نامند. ولوم و پارکر توضیح می دهند که در عبارت الهیات عهد پیشرونده، اصطلاح «پیشرونده تاکید بر آشکارسازی مکاشفه ی خدا در طول زمان دارد، در حالیکه الهیات عهد، تاکید بر نقشه خدا می کند که از طریق عهدها آشکار می شود و تمام عهدها تحقیقشان، هدف غایی شان و مقصد نهایی شان را در مسیح می یابند» (صفحه ۲). بنابراین الهیات عهد پیشرونده از تاکید بیش از حد بر پیوستگی بین دو عهد که در الهیات عهد دیده می شود و از ناپیوستگی کاملی که در الهیات تدبیری یافت می شود اجتناب می کند.

اصلاح «الهیات عهد پیشرونده» در ابتدا در کتاب استیفان ولوم و پیتر جنتری به نام *پادشاهی از طریق عهد ابداع شد* که آن کتاب،

^۱ [توضیح مترجم: الهیات تدبیری، چارچوبی برای تفسیر کتاب مقدس است که به تفسیر تحت الفظی کتاب مقدس تکیه کرده و تاریخ کتاب مقدس را در هفت تدبیر می بیند که هر تدبیر اشاره به شیوه خاصی دارد که خدا بکار می گیرد تا با انسان و خلقت در یک دوره ی مفروض از تاریخ نجات رفتار کند. این هفت تدبیر عبارتند از تدبیرهای بی گناهی، وجدان، حکومت بشری، وعده، شریعت، فیض، سلطنت هزارساله.]

^۲ [توضیح مترجم: الهیات عهد، همانند الهیات تدبیری چارچوبی برای تفسیر کتاب مقدس است. الهیات عهد، کتاب مقدس را در چارچوب عهد می نگرد؛ یا در جلوه عهد اعمال، یا در جلوه عهد فیض. البته عهد سومی نیز به نام عهد فدیه یا رهایی مطرح می شود که مقدم بر این دو عهد است.]

^۳ [توضیح مترجم: الهیات عهد جدید: یک موضع میانی بین الهیات عهد و الهیات تدبیری است که مشخصاً با الهیات تدبیری متفاوت است و وجه اشتراک بیشتری به الهیات عهد دارد. الهیات عهد در خصوص کاربرد عهد قدیم و بخصوص شریعت موسی برای مسیحیان امروز موضع میانی دارد.]

ارائه ی نظام مندتری از الگوی الهیات کتاب مقدسی است.^۴ ولوم و پارکر شرح می دهند که کتاب الهیات عهد پیشرونده اساساً «دنباله» ی جلد قبلی است و به صورت موضوعی تر به مسائل می پردازد تا «برخی از نکات باز نشده یا بحث نشده در کتاب پادشاهی از طریق عهد را باز کند» (صفحه ۴). ولوم و پارکر کتاب را به سه بخش اصلی تقسیم می کنند. بخش اول شامل «مقالات عمومی است که درباره موضوعات متعددی بحث می کند که برای کنار هم قرار دادن عهدهای کتاب مقدسی بسیار مهم است» (صفحه ۴).

در فصل اول، جان دروچی «ریشه های عهد عتیق در کلیساشناسی عهد جدید» (صفحه ۹) را با بررسی این موضوع ملاحظه می کند که چگونه موضوع «ذریه ابراهیم» در سرتاسر کائنات بسط داده می شود. دروچی نشان می دهد که داده های کتاب مقدسی به چه نحوی اصرار الهیات تدبیری را به چالش می کشد از اینکه «ذریه ابراهیم» را به کلی در امتداد خطوط نژادی می بیند و درک الهیات عهد را به چالش می کشد از اینکه عهد ابراهیم از گنجاندن فرزندان ایمانداران در عهد پشتیبانی می کند.

در فصل دوم، برنت پارکر رابطه ی نمادین بین اسرائیل، مسیح، و کلیسا را بررسی می کند. پارکر پیامدهای کلیساشناسی اسرائیل-مسیح نمادین را مورد بررسی قرار می دهد و نشان می دهد که این موضوع، اعتقادات الهیات تدبیری در خصوص آینده ای برای اسرائیل نژادی را به چالش می شود و همینطور پافشاری الهیات عهد مبنی بر جامعه ی مخلوط عهد جدید را به چالش می کشد.

فصل سوم و چهارم به درک الهیات عهد پیشرونده از شریعت موسی می پردازد. جانسون میر در فصل سوم، بررسی می کند که نظامهای الهیاتی مختلف چگونه به شریعت نگاه می کنند، و در عین حال استدلال می کند که مسیحیان دیگر نباید خود را زیر شریعت موسی، بلکه باید زیر شریعت مسیح ببینند. آردل کاندی در فصل چهارم نشان می دهد که طبقه بندی کردن عهدها صرفاً به صورت شرطی یا بلاشرط، معرف منصفانه عهدها نخواهد بود. او راه جایگزینی را مطرح می کند که چنین جدایی سرسختی را بین شریعت و انجیل تحمیل نمی کند.

بخش دوم بر مسائلی متمرکز می کند که الهیات عهد پیشرونده با الهیات عهد سنتی تفاوت دارد. جان مید در فصل پنجم، الهیات کتاب مقدسی ختنه را بررسی می کند و استدلال می کند که «ختنه ی جسم، شخص را برای خدمت به خدا متمایز می ساخت اما این نشانه در عهد عتیق حقیقتاً برابر با چیزی که در زندگی قوم خدا در عتیق دیده می شد نبود» (صفحه ۱۵۶-۱۵۷). مید نتیجه می گیرد که ختنه سابه ای بود از «ختنه قلبی» (نه تعمید)، که توصیف کننده تمام اعضای عهد جدید است.

در فصل ششم، تام اشراپنر تعالیم کتاب مقدس در خصوص شبات را دنبال می کند، و استدلال می کند که مسیحیان دیگر مقید به نگاه داشتن شبات نیستند چرا که در مسیح کامل و محقق شده است. در فصل هفتم، کریستوفر کوآن به متون هشداردهنده ی عبرانیان می پردازد. کوآن استدلال می کند که این هشدارها تعلیم نمی دهد که اعضای تولدتازه نیافته ی عهد می توانند سقوط کنند (آنطور که در الهیات عهد بیان می شود)، بلکه آن هشدارها وسیله ی نجات هستند که خدا برای حفظ پایداری مردمش از آن استفاده می کند. استیقان ولوم در فصل آخر این بخش بررسی می کند که چطور حامیان الهیات عهد پیشرونده «به اخلاقیات می پردازند.» همانطور که ولوم شرح می دهد، این فصل، پنج قدم اساسی الهیاتی را برای حامیان الهیات عهد پیش رونده بر می شمارد، به طوریکه به عنوان کسانی که اکنون در زیر عهد جدید زندگی می کنند... درصددند تا هنجارهای اخلاقی الهی را برقرار کنند.» (صفحه ۲۱۶).

بخش پایانی بر مسائلی متمرکز است که الهیات عهد پیشرونده با الهیات تدبیری تفاوت دارد. در فصل یازدهم، ریچارد لوکاس به تفسیر طرفداران الهیات تدبیری از رومیان ۱۱ واکنش نشان می دهد که تفسیرشان مفروض می دارد اسرائیل نژادی به عنوان قوم خدا در سلطنت هزارساله احیا خواهد شد و واسط برکت برای دیگر امتهای خواهد بود. نهایتاً در فصل آخر، اورن مارتین استدلال می کند سرزمینی که به ابراهیم وعده داده شد، سرانجام در آسمان و زمین جدید محقق خواهد شد، و نه آنطور که طرفداران الهیات تدبیری استدلال می کنند، اسرائیل نژادی در سلطنت هزارساله سرزمین را تصرف خواهند کرد.

الهیات عهد پیشرونده بسیاری از موضوعات جنجالی و پیچیده الهیاتی را با استدلال قوی و روحیه مسالمت آمیز بررسی می کند. بسیاری از کتابهای ویراستاری شده فاقد پیوستگی هستند یا بین کیفیت مطالب اختلافات زیادی است. اما در این کتاب، هر نویسنده استدلال مجاب کننده ای را برای بخشی از نظام عهد پیشرونده مطرح کرده است. از این گذشته، ویراستاران این کتاب را باید تصدیق کرد برای قرار دادن فصلهایی که فلب مباحثه ی بین این دو نظام الهیاتی-کتاب مقدسی را می دهند.

البته، حتی کسانی که متقاعد به الهیات عهد پیشرونده هستند (مثل خودم) نکاتی را در آن خواهند یافت که جای نقد دارد. همانطور که

⁴ Peter J. Gentry and Stephen J. Wellum, Kingdom through Covenant: A Biblical-Theological Understanding of the Covenants (Wheaton, IL: Crossway, 2012).

ویراستاران و خود نویسندگان اشاره می کنند، در هر نکته ای با هم متفق نیستند. اما این واقعیت حداقل ثابت می کند که الهیات عهد پیشرونده به اندازه کافی وسیع است که دیدگاههای مختلف در تعدادی از موضوعات تفسیری را در برگیرد، نظیر رومیان ۲۶:۱۱.

این کتاب چه ارزشی برای کلیسای جهانی دارد؟ نخست اینکه بنیادی ترین وظیفه الهیاتی کلیسا، درک این موضوع است که چگونه بخشهای مختلف کتاب مقدس با هم سازگاری دارد. تمام اعتقادات الهیاتی، کارکردی هستند از درک ما مبنی بر اینکه عهدها چگونه روی هم بنا می شوند، یا عهد عتیق و عهد جدید چطور به هم ربط پیدا می کنند. کتاب الهیات عهد پیشرونده، رویکرد سازنده و کتاب مقدسی را برای کنار هم قرار دادن کتاب مقدس ارائه می کند. به علاوه، این منبع، به طور خاص برای شبانانی که نیاز به درک فرمهای الهیات کتاب مقدسی دارند مفید خواهد بود تا به طرز موثق و صحیحی مسیح را از تمام کتاب مقدس (به خصوص روایت عهد عتیق) موعظه کنند.

دوماً الهیات تدبیری نه تنها در غرب بلکه در شرق نیز دیدگاه غالب کلیساها است. اما نویسندگان این کتاب نشان می دهند که الهیات تدبیری به عنوان یک سیستم تفسیر، خالی از اشکال نیست. الهیات عهد پیشرونده رویکرد مجاب کننده، مفید و رویکردی که از لحاظ تاریخی ریشه گرفته است را به الهیات کتاب مقدسی عرضه می دارد. این کتاب با ارائه ی نظام عهدی پیشرونده و نقدهای قوی آن از الهیات تدبیری، این امید را دارد که مسیحیان و کلیساها را به چالش بکشاند تا شیوه تفسیر خود را در سایه ی کتاب مقدس مجدداً ارزیابی کنند.

سوماً، ولوم و پارکر خیلی از مسائل پیچیده ی الهیاتی که کلیسای جهانی با آن روبرو است را در کتاب الهیات عهد پیشرونده مورد بررسی قرار داده اند. برای مثال، مسائلی از قبیل ختنه، شبات، یا کاربرد صحیح شریعت موسی در برخی از کلیساهای جهانی، جنجالی تر هستند و توجه بیشتری به آنها می شود تا در غرب. نویسندگان در هر یک از این موضوعات، راه واضح، کتاب مقدسی، و شبانی را پیش رو می گذارند.

نهایتاً، در حالیکه تاکیدهایی خاص الهیات نظام مند ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر فرق کند، اما الهیات کتاب مقدسی، نظیر تفسیر، باید در تمام زمانها و فرهنگها به طور یکسان بیان شود. به بیانی دیگر، الهیات کتاب مقدسی و تفسیر، یک زبان الهیاتی جهانی هستند در حالیکه الهیات نظام مند اینگونه نیست. کتاب الهیات عهد پیشرونده که مجموعه ای از مقالات الهیات کتاب مقدسی است، در هر زمینه ی جهانی ای به آسانی قابل فهم، و قابل استفاده است.

در آخر، کتاب ولوم و پارکر، الهیات عهد پیشرونده را به طور مجاب کننده ای ارائه می دهند. این کتاب، دنباله ی کتاب پادشاهی از طریق عهد است و منبعی است ضروری که این چشم انداز تفسیری تازه را آشکار می کند. حتی کسانی که با طرح پیشنهادی ویراستاران کتاب، متقاعد نشده اند، به چالش کشیده خواهند شد به گونه ای که فهم و درکشان را از کتاب مقدس و خط سیر آن عمیقتر خواهد کرد.

سام عمادی

آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی، لوئیس ویل، کنتاکی

درک اچ. اچ. ویلیامز سوم، عیسای آزموده شده و راستین: چرا چهار انجیل کانی بهترین تصویر عیسی را ارائه می دهند. Eugene, Ore: Wipf & Stock, ۲۰۱۳، ۱۶۸ صفحه. ۲۲ دلار

درک ویلیامز، پروفیسور زبان و ادبیات عهد جدید در آموزشگاه الهیاتی تیندل در هلند، اناجیل کانی را با اناجیل غیر کانی مقایسه می کند و نتیجه می گیرد که اناجیل کانی از لحاظ تاریخ نگارش، وابستگی شان بر شهادت شاهدان عینی، و پذیرش و بکارگرفته شدنشان توسط مسیحیان اولیه، بر اناجیل غیر کانی برتری دارند. ویلیامز برای هر یک از این معیارها، یک فصل را اختصاص می دهد و فصل چهارم را به بررسی دقیقتر معروفترین اناجیل غیر کانی می پردازد. فصل پایانی کتاب، مدارک و شواهد را خلاصه و جمع بندی می کند و درباره ارزش اناجیل غیر کانی صحبت می کند.

فصل اول به بررسی تاریخهای نگارش اناجیل کانی و غیر کانی می پردازد، با این پیش فرض که اناجیلی که از نظر زمان نگارش، به زندگی عیسی نزدیکترند، محتملاً حاوی اطلاعات تاریخی موثقتی درباره عیسی هستند. ویلیامز در اتفاق آرا با پژوهشگران، تاریخ نگارش اناجیل کانی را به نیمه دوم قرن اول نسبت می دهد. او از طریق مقایسه، فهرستهایی از تاریخهای منسوب شده به اناجیل غیر کانی از سوی پائول فاستر، بارت ارمان و کریگ اوانز فراهم می آورد. بیشتر پژوهشگران این اناجیل را به خاطر رابطه شان با مکتب ناستیکی و وابستگی شان

به اناجیل کاننی، به قرن دوم میلادی منسوب می کنند. از آنجاییکه برخی از پژوهشگران، اناجیل توماس و پطرس را در قرن اول میلادی تاریخ گذاری می کنند، ویلیامز، بررسی کاملتری از تاریخ نگاری این اناجیل ارائه می دهد. او پس از نه صفحه مباحثه نتیجه گیری می کند که هر دوی این اناجیل در قرن دوم نوشته شدند. از لحاظ تاریخ نگاری، اناجیل کاننی، قدیمیترین شهادت مکتوب درباره عیسی تاریخی را ارائه می دهند.

فصل دوم، منابع اناجیل کاننی و غیر کاننی را بررسی می کند، با این پیش فرض که اناجیلی که حاوی شهادت شاهدان عینی قابل تصدیق هستند باید بر اناجیلی که هیچ پیوندی با شاهدان عینی اولیه ندارند ترجیح داده شوند. این فصل در لب کلام، کتاب تاثیرگذار ریچارد بوکهام به نام عیسی و شاهدان عینی: انجیل به عنوان شهادت شاهد عینی (انتشارات *Grand Rapids: Eerdmans*, ۲۰۰۶) را خلاصه می کند. ویلیام شواهد درونی صریح و غیر صریح را مطرح می کند که اناجیل کاننی بر شاهدان عینی (ادعاهای صریح، دوازده شاگرد، افراد نام برده شده)، عنوان روی اناجیل، و شواهد خارجی بدست آمده از تکه پاره های پاپیاس وابسته است. او نتیجه می گیرد که اناجیل کاننی در هر یک از این حوزه ها ثابت می کنند که بر شهادت شاهدان عینی وابسته هستند، در حالیکه مدارک کمی از چنین وابستگی ای در اناجیل غیر کاننی وجود دارد. از اینرو اناجیل غیر کاننی پایینتر هستند و نسبت به اناجیل کاننی، احتمالش کمتر است که اطلاعات موتقی را درباره عیسی ارائه دهند.

فصل سوم اناجیل را بر حسب پذیرششان در میان مسیحیان اولیه ارزیابی می کند: یعنی پدران رسولی (بین ۷۰ تا ۱۳۵ میلادی)، جاستین شهید، کان موراتوری، و ایرینیوس). ویلیام بررسی انصافاً کاملی را از این مستندات ارائه می دهد و بر پذیرش و استفاده از اناجیل کاننی متمرکز می شود. اناجیل کاننی به طور گسترده ای به عنوان شواهد مقتدر بر زندگی و تعالیم عیسی استفاده شده اند. با مقایسه، معلوم می شود که اناجیل غیر کاننی به ندرت ذکر شده اند و وقتی هم که ذکر شده اند، عموماً مورد نقد قرار گرفته اند تا تصدیق. مسیحیان اولیه مدتها پیش از هر شورای کلیسایی، قویاً و واضحاً اناجیل متی، مرقس، لوقا، و یوحنا را ترجیح دادند.

فصل چهارم به بررسی محتوا و موضوعات چند تا از اناجیل غیر کاننی می پردازد: *انجیل توما، انجیل مریم، انجیل فیلیپ، انجیل حقیقت، انجیل پطرس، انجیل کودکی توما، انجیل بدوی یعقوب، انجیل یهودا، اناجیل یهودی-مسیحی، پاپیروس اگرتون ۲، و پاپیروس اوکسیریهینخوس* ۱۴۰. با فرض بر اینکه امروزه واقعاً افراد خیلی کمی این اناجیل را می خوانند، ویلیام مقدمه ای کوتاه، نمونه ای از متون، و تفاسیری را از هر یک از این اناجیل ارائه می دهد. او نتیجه گیری می کند که بیشتر اناجیل غیر کاننی بر پایه ی تصویر عیسی که در اناجیل کاننی وجود دارد، و باورهای مختلف قرن دومی نظیر ناستیکی بنا شده اند، و اناجیل غیر کاننی دیگر، ستنهایی را درباره بکارت دائمی مریم، و دوران کودکی عیسی مطرح می کنند. ویلیام استدلال می کند که وابستگی اناجیل غیر کاننی بر اناجیل کاننی حاکی از ارجحیت و برتری اناجیل کاننی دارد.

فصل پنجم، کتاب را با خلاصه کردن نکات اصلی جمع بندی می کند و درباره ارزش تاریخی اناجیل غیر کاننی بحث می کند. این اناجیل، بینش ارزشمندی را به باورهای برخی از مردم در قرن دوم و سوم میلادی ارائه می دهد. این اناجیل به تاریخ دانان کمک می کند تا مکتب ناستیکی را بشناسند و درباره برخی از باورهایی که بر شکل گیری ستنهای مسیحی، بخصوص درباره مادر عیسی، نفوذ کرده، به ما بصیرت می دهد. اناجیل غیر کاننی برای دستیابی به اطلاعات موثق تاریخی درباره عیسی مفید نیستند، اما برای «درک نیروهایی که بر مسیحیت قرن دوم و سوم تاثیر گذاشته است» با ارزش هستند (صفحه ۱۳۴). کتاب با دو ضمیمه درباره *انجیل محرمانه مرقس* و اعتقادنامه های اولیه مسیحی، کتاب شناسی، و فهرست راهنما به پایان می رسد.

به طور خلاصه، ویلیامز بحث کوتاه و قابل فهمی را درباره رابطه ی اناجیل متی، مرقس، لوقا، و یوحنا با اناجیل غیر کاننی ارائه می دهد. علیرغم ادعاهای احساسی ای که گاهی اوقات درباره اناجیل غیر کاننی شده، آن اناجیل از لحاظ کیفی و از لحاظ عینی، در خصوص تاریخ نگارش، دسترسی به شهادت شاهدان عینی، و مقبولیتشان در میان مسیحیان اولیه متفاوت از اناجیل کاننی هستند. ویلیامز همانند فرانسویس واتسون (کتاب *نگارش انجیل، Eerdmans*, ۲۰۱۳) در اینجا به دنبال این نیست که بر مبنای سبک بین اناجیل کاننی و غیر کاننی فرق بگذارد. اگرچه بیشتر پژوهشگران عهد جدید این استدلالها را استدلالهای جدیدی نمی دانند، اما این کتاب را به هر کسی که علاقه مند به رابطه بین اناجیل کاننی و غیر کاننی است، به عنوان مقدمه ای واضح و چکیده بر این موضوع پیشنهاد می کنم که به طور محکم در شواهد کهن خود متون جای گرفته است.

الکساندر ای. استوارت

آموزشگاه الهیاتی تیندل، بدهوودورپ، هلند